

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد

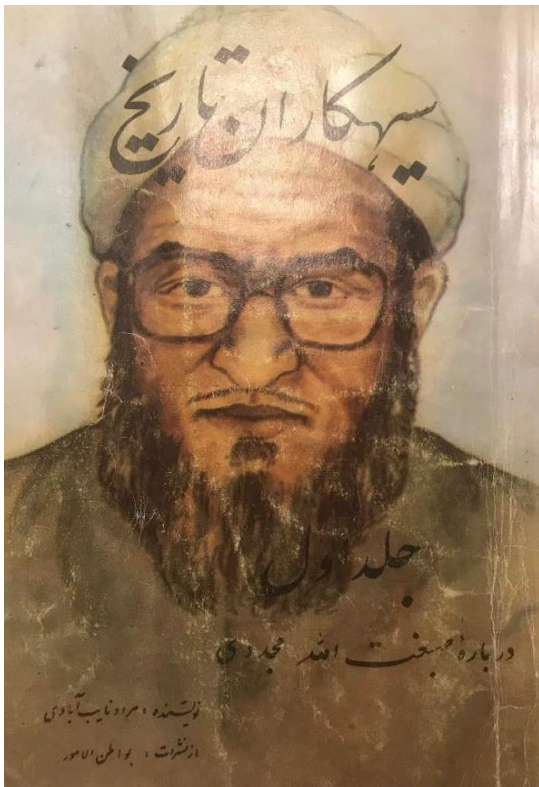


۲۰۱۹/۰۸/۱۹

احسان لمر

«سپهکاران تاریخ» یا تشابه اندیشه سپاه و تاریک

با کمال احترام به جناب مراد نائب آبادی که عنوان رساله شان را من در این سطور بدون اجازه انتخاب نمودم، امید معذورم دارم.



در آغاز قرن بیستم شیخ فضل الله نوری از مخالفین احداث مدرسه دخترانه در ایران بود. وی در جلسه ای خصوصی به ناظم الاسلام کرمانی روز نامه نگار عصر مشروطه ایران و مخالف سر سخت اندیشه های فضل الله نوری درباره مدارس جدید می گوید:

«ناظم الاسلام، تو را به حقیقت اسلام قسم می دهم که :

- آیا این مدارس جدیده خلاف شرع نیست؟
- آیا ورود به این مدارس مصادف با اضمحلال دین اسلام نیست؟
- آیا درس زبان خارجه و تحصیل شیمی و فیزیک عقائد شاگردان را سخیف و ضعیف نمی کند؟
- مدارس را افتتاح کردید، آن چه توانستید در جراید از ترویج مدارس نوشتید، حالا شروع به مشروطه و جمهوری کردید؟ نمی دانید در دولت مشروطه اگر من بخوام روزنه و سوراخ این اتاق را متعدد نمایم باید مالیات

بدهم و اگر یک سوراخ را دو سوراخ کنم باید مالیات بدهم و کذا و کذا.

او با برابری حقوق مسلمانان و غیر مسلمانان مخالف بود. در این باره می گفت:

- ای بی شرف و ای بی غیرت! ببین صاحب شرع برای این که تو منتحل به اسلامی، برای تو شرف مقرر فرموده و امتیاز داده تو را و تو خودت از خودت سلب امتیاز می کنی و می گویی: من باید با مجوس و ارمنی و یهودی برادر و برابر باشم؟

د پانوی شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

او باور داشت اعتقاد به آزادی حرف اشتباهی است و حتا این سخن به طور کل کفر است. او می گوید: اگر از من می شنوید،

➤ لفظ آزادی را بردارید که عاقبت این حرف ما را مفتضح خواهد نمود.»

در همان زمان در وطن ما سردار عبد القدوس خان اعتماد الدوله طی نامه ای به. نور المشایخ و شیخ المشایخ برادران مجددی نوشت این که :

➤ «نصارا در مورد مسلمانان دو نوع حمله دارند یکی با شمشیر و دیگر با قلم و فریب، از حمله اول ملت و دولت را در حساب می گیرند و در حمله دوم شخص شاه در نظر است که ملت را به گردن دولت می اندازند و نتیجه آنها "اصول مشروطیت" است که سیزده سال پیشتر «پایونیر» از آن ذکر کرد و گفت: مشروطیت در ترکیه و ایران به سببی مستحکم شد که مردم لذت آزادی چشیده بودند؛ و اما در افغانستان بر عکس ترکیه و ایران مشروطیت ثمری نداد برای ویرانی این دولت کدام سردار نامدار یا ملای بیرق دار و یا خان با اعتبار به کار است. من می دانم که برای دولت انگلیس قوت حمله و حواله شمشیر بالای ملت و دولت افغانستان نمانده و آن چه مانده فریب است که عبارت از «مشروطیت» است و علاج آن این است که «از طرف شرع انور مشروطه طلبان را باید واجب القتل» دانست و بعد از آن برای تعلیمات علوم جدید دست و آستین را بالا نمود»

سردار نصر الله خان برادر و نایب السلطنة امیر حبیب الله خان در جلسه عام دربار (بعد از سرکوب مشروطه خواهان) الغای مدارس کشور را طرح نموده گفت:

➤ «از معارف مشروطیت می زاید و مشروطه نقطه مقابل تسلط شرعی سلطان است.»

با اعلان سلطنت امان الله خان پس از آن که مشروطه خواهان دست به اصلاحات اجتماعی و یک سلسله ریفورم ها زدند، عده ای سدی در برابر تحقق برنامه های تجدد طلبانه قرار گرفتند. نخستین شخص مخالف با اصلاحات اجتماعی از «فضل عمر خان مجددی» نورالمشایخ بود وی مخالف تعلیم پسران و روی لچی زنان بود و می گفت:

➤ رفتن پسران به مکتب نتیجه ای جز کافر شدن آنان در بر ندارد.

این نظر نه تنها در پنجاه سال بعد از «امان الله خان» بلکه تا اکنون هم از زبان شان شنیده میشود.

➤ «حضرات مجددی» مردم را تحریک به شورش نمودند، یاغیان درخواست کردند که تمام مکاتب دخترانه بسته شود، «امان الله خان» آن را عملی نکرد ولی «حبیب الله کلکانی» همین آرزوی شان را بر آورده ساخت. شصت و پنج سال بعد از دور شوم «حبیب الله کلکانی» دارالافتا یا ستره محکمه دولت «استاد ربانی» مورخ [۵ سنبله ۱۳۷۳ ش ۱۹۹۴ م] فتوا داد که:

➤ "در افغانستان احکام الهی خصوصاً حکم ستر و حجاب عملی شده است. از مسئولین دولت و حکومت جداً و تأکیداً خواسته میشود که تمام احکام الهی خصوصاً حکم ستر و حجاب را علی الفور عملی گردانند و زنها را از دفاتر بیرون رانده و مکاتب زنها را که در حقیقت مراکز زنا و فحشا است مسدود نمایند. و هم از رادیو و تلویزیون ایشان را بیرون کشیده تا بر اصل ادعای ایشان بر تنفیذ احکام الهی مصداق پیدا کنند."

که ادامه همان خواست محرکین پکتیا، شینوار و کلکانی است که طالبان هم با قاطعیت بعد از سال ۱۹۹۶ میلادی آن را دنبال نموده و اکنون هم می نمایند، از آغاز حکومت انتقالی حامد کرزی تا کنون این درخواست ها دوام دارد که بار بار این ها ضربه های شدید تر بر روند معارف و فرهنگ در کشور می زنند .

«محمد صادق خان مجددی» برادر کوچک تر «فضل عمر خان مجددی» کتابی نوشته بود بنام "خاطرات سیاسی" که دشمنی با علم و معارف و با سوادى جوانان وطن را با نهایت خشم و غضب ابراز می دارد. او می نویسد که:

➤ "دختران بی دینی را یاد گرفتند در بدل این که عفت و عصمت را بیاموزند خلاعت و شناعة آموختند. به مقابل این که جوهر شرف و ناموس خود را حفظ کنند، یگانه گوهر دوشیزگی را از دست دادند و هر کدام از دختر ها قبل از آن که جوان شوند مادر شدند. دختر های مکتب حسب مقتضیات نفس اماره بار دار

شدند و سقط های متعدد در کوچه و بازار کشف گردید. پدر ها و مادر ها و برادر ها خجالت مند و منفعل شدند، دختر های مکتب حسب مقتضیات نفس اماره و شیاطین مکاره در بی حیایی و بی شرمی گوی سبقت از فاحشه ها ربودند، در کوچه و بازار مغازه و معاشقه شان زبان زد عوام گردید و نائره کج رفتاری شان شطه لهیبه خود را به عیوق [ستاره] رسانید. در همگی افراد مکتب مستورات از سن ده ساله گی و بعد آن دوشیزه گی به صفت عنقا مغرب متصف شد. حینی که دختر ها از مکتب مستورات و جوانها از مکتب امانیه به وقت عصر خارج می شدند یک حالت عجیبه اختلاط این دو جنس مشاهده میگردید که یک نفر انسان با غیرت و شرافت نه می توانست بسوی آنها نگاه کند. این وضعیت مخالفة دین و عادات افغانستان در ملت غیور افغان به درجه تأثیر خراب کرده بود که نه تنها مکتب مستورات بلکه نام معارف و مکتب را الحاد و زندقه می دانستند "

این ها بعداً شخص ساده و بیسواد دهاتی (حبیب الله کلکانی) را تحریک نموده و به اصطلاح کمرش را بر علیه نهضت امانیه بستند. انگلیس از این کار دو هدف داشت اول سقوط دادن نظام امانیه و دوم بر حریفان اروپائی و حتی مردمان هند و ترکیه و مصر وانمود کنند که مردم افغانستان تا ان پیمانہ جاهل و نادان هستند که آن ها یک جاهل و بیسواد را بر شاه دانش پسند و وطن دوست ترجیح می دهند

در جلد اول رساله‌ی «سپه کاران تاریخ» به قلم مراد نایب آبادی (صفحه های ۱۷ تا ۲۱) از دست آویزی یاد آوری گردیده است که متن آن در آرشیف ملی افغانستان نگه داری می شود و به قول نگارنده در (۶ شعبان المعظم سال ۱۳۴۷ هجری قمری - ۱۸ جنوری ۱۹۲۹ میلادی) به «تحریک و رهنمائی مستقیم حضرات شوربازار ترتیب و تحریر شده» و منجمله با دست خط های سنا معصوم یا میا جان آغا (پدر صبغت الله مجددی) و محمد صادق مجددی زینت یافته است. این دست آویز تکفیر نامی امیر امان الله خان غازی است که به تقصیر نقش جاودانه‌ی وی در استرداد استقلال کشور و گام های ترقی خواهانه‌اش از خامه‌ی حضرات شوربازار چکیده و سپس در چهره‌ی فرمان شاهی و بیعت نامی حکومت حبیب الله خادم دین رسول الله پخش گردیده است.

➤ «بر ضمایر کافه اهالی و افراد ملت اسلامی افغانستان مخفی مباد! قبلاً ما جمیع ذکور افغانستان دست به بیعت امارت السلطنه را به مدار سیاست شرع شریف غرا به امیر امان الله به قرار شرایطی که از امورات شرع شریف تخلف نه کند داده بودیم. چون موصوف به شرایطی که اطاعت او به مراسم شرعی بر ما لازم باشد اجابت نه کرده و خسره در امورات شرعی و سیاسی نموده و عملیات او آن چه بود به خلاف احکام قرآنی و رویه‌ی دین حضرت سید المرسلین ملاحظه و بدعیات و نواقصات او ظاهر که به خلاف امر شرع محمدی است، ذیلاً توضیح است:

۱. این که اسلام که از طریق مسنونۀ قولی رسول کریم است آن را ترک و به اشاره‌ی که عادت کفار است ما اهالی اسلامی را جبراً ترغیب نمود.
۲. این که دستار که طریقه‌ی سنت آن حضرت است که ادای نماز به آن کامل می گردد عوض آن کلاه که به رسم دهیات کفره و ادیان باطله است به اهالی اسلامی حکم و تارک آن را مجرم نشان داده است.
۳. این که آن چه البسه‌ی اسلامی که ملبوس سلف بود آن را ترک همه را به البسه کفر مشابہت و امر داده بود که تا حال روی کار است.
۴. این که به مضمون آیات قرآنی که مرد اجنبی از زن اجنبیه و زن اجنبیه از مرد بیگانه چشم خود ها را نگاه بدارند این امر عظیمی خداوندی را گذاشته خلاف آن اعلان ترک ستر داد.
۵. این که خروج زن کبیره و بالغه را بدون اجازه‌ی زوجش و ضرورت شرعی شارع جواز نه داده این امان الله همه‌گی دخترها و زن ها را به مکتب مقرر کرده پرده‌ی ناموس مسلماتان را دریده که تا امروز مکتب اناتیبه جاری بود.
۶. احیاً لویه و قطع شارب که از سنت قولی و فعلی رسول الله بود امروز امان الله به خلاف آن جاری نموده بود.
۷. همه‌گی اهالی امر و که شرعاً حکم دختر بالغه را دارند به مکتب که مفاد دینی و علم شرایع و احکام قرآنی بر آن مرتب نه بوده، بلکه در اعتقادات شان خلل های زیاد واصل و خود بچه ها همه‌گی بی پاک شده اند. طلب علم که بر هر مسلم و مسلمه فرض کفایت است مقصد از علم احکام قرآنی است نه علمی که خط و حساب انگریزی و یا نام بلاد و سلاطین ماضی دانسته کفر را یاد بگیرند.
۸. این که در هیچ ملت و مذهب اسلامی رواج نه شده و نیست که دختران بالغه اسلامی را از دارالسلام کشیده و بدون محارم در بلاد کفر روانه کرده که تا خط و مناعت انگریزی را یاد بگیرند. ازین کار

قیحهاش ما جمیع اهالی اسلامی مطعون همهگی اهالی بلاد کفر و اسلامیة شده بودیم و در هیچ زمان و هیچ پادشاه چنان ظلم صریحه را نه کرده و نه خواهد کرد.

۹. این که عملیات ظاهره‌ی امان الله آن چه است دلالت به خرابی اعتقاد باطل او داشت که امور شرع شریف معترض است. آن چه کارات که از او ملاحظه می شود به مقصد چهار روزه دنیای فانی و بر خواهشات نفسانی است، ترقی خواه دین پاک که سرمایه‌ی ابدی است، پرداخت نه داشت.

۱۰. این که رسول کریم صلی الله علیه و سلم حب علم و علما را مثل حب و دوستی خود شان داده. امان الله همراه علم و علما عداوت ذاتی داشت. علم و علما را بد می دید و استخاف شان را خوب می دانست. این علامه‌ی کفر است.

۱۱. این که به قرار مضمون آیات قرآنی که شخص بانی فتنه و فساد فیما بین مسلمین شود، یعنی بدعیات خلاف مذهب حنفی را جاری و پا مالی دین پاک را اختیار کند، گویا قاتل جمیع مسلمین است. کسی که احیا دین را نماید، گویا احیا تمام مسلمین را می نماید. این فساد که امروز برپاست از دست امان الله است. چون طریقه‌ی اسلامیة را گذاشته پیشنهاد خود تشبیهات فعلی و قولی اهل نصارا ساخته بود می خواست که رشته‌ی اسلامیة را از گلوی ما اهالی کشیده پیرو افعال کفر نماید.

۱۲. این که سنه‌ی قمری که ملفوظ آیات قرآنی است آن را محو و شمسی را رواج داده بود.

۱۳. این که اعلان ها نموده بود که سنه و تاریخ انگریزی بعد از این تحریر کنید مقصدش این که رفته رفته کتب معتبره‌ی فقه شریفه را محو و کتب منسوخه‌ی کفر را رواج بدهد.

۱۴. این که از زمان رسول اکرم صل الله علیه و سلم الی حال اسماً ایام معین و معاملات خرید و فروش را بعد ندای روز جمعه نهی فرموده، امان الله تغییر نام را نمود، روز جمعه را شنبه و پنج شنبه را جمعه نام نهاد، تحریف دین را نموده ظاهر اخلاف امر شرع شریف است که اختراع عندی نموده.

۱۵. این که اموال بیت المال مسلماتان و به مصرفی که شارع جواز داده، نه کرده ملاها و موذن ها و خدمت گاران مساجد که در وقت ملوک سابقه مقرر بودند معاش از بیت المال داشتند همه را امان الله موقوف کرده علما و مشایخ دین که اعتلا کلمة الله را نموده امر معروف تلقین و تذکیر دین پاک را می نمودند همه را امان الله منع نموده از این معلوم و ظاهر شده که تخریب دین حقانی را اختیار نموده.

۱۶. این که حضرات مجددی که مقتدای عالم اسلامیة بوده و می باشند، چنان چه در اول سلطنت کمر امارت او را بسته و تلقین طریقه از وهام نموده خود او را به دسیسه غیر حق به خیالات فاسده خود محیوس و حاجی ملا عبدالرحمن خان مرحوم که یک عالم جید حقانی و ملا امام حضرات مجددی بود، خود او و اقوام او را به باعث که از منهیات خلاف شرع او را مانع بود به قتل رسانید.

۱۷. این که شراب خوری گناه کبیره و به قرار آیات قرآنی که نهی مطلق است و بت پرستی که شرک جلی است در بین خود و مامورین خود و غیره مسلمین رواج و امر داده بود.

۱۸. این که ملا عبدالله مرحوم که از سمت جنوبی که یک شخص عالم و جید حقانی و فدایی و مجاهد دین پاک رسول الله بود به باعث اظهارات حق و رفع منهیات و اقدامات بدی که امان الله نموده مانع بود تا که هزاران نفوس اسلامی ما را جبراً در مقابله اش کشیده و ما اهالی اسلام را به قتل رسانید تا که همراه علمای سمت مذکور عهد قرآنی نموده او را طلب نموده که دیگر خلاف شرع کار نه می کنم به فریب خود او و علما و اکابر سمت مذکور را مقتول و باقی نفری شان خراب و فرار ساخت. عداوت او همراه علما و اهل دین حقانی ذاتی و عقیده‌اش را خراب ملاحظه کردیم این که رسول کریم خیر داده این که کسی که همراه علم و علما بغض و عداوت کند گویا همراه خداوند عداوت می کند و کسی که همراه خداوند عالم عداوت کند نعوذ بالله باقی چه خواهد ماند.

فوقاً همه رویه، عقیده و کارات و عملیات و اختراعی خلاف دین امان الله که تا امروز جاری بود نظر با فعل ظاهره و عقیده‌ی باطنه اش کفر او را ثابت می نمود که کلیه رویه او به خلاف رویه احکام الهی و سنت مصطفوی و سلوک و آداب ائمه‌ی دین است و به مضمون این آیت قرآن عظیم الشان «وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَلْبِسْكُمْ هُمْ لُكَاْفِرُونَ» چون حضرت خداوند جل و علی شانه که کفیل و معتصم دین پاک حضرت صاحب لولاک است سبباً و شباب شجاع بهادر غیور و دلیر دین پرور که یکی خادم دین رسول الله امیر حبیب الله خان ساکن کوهدامن دارالسلطنه کابل و دوم آن سیادت و شجاعت نشان سید حسین خان ساکن چهاریکار که حالا وزیر جنگ عمومی افغانستان است او را خداوند عالم تصرف کافه و همه عالییه داده که تا به توفیق و استعانت یزدانی و دیانت فطری خودها کمر دین حضرت رسول الله را به صداقت بسته باعث قطع بدهیات و ذریعه‌ی حفاظه‌ی ننگ و ناموس ما زمره‌ی اسلامیة گردیده دلیرانه شمشیر همت را برملا آشکارا کشیده و در مقابله امان الله مخترع بدعت استاده که تا او را محصور و مضمهل ساخته که سد باب فتنه و فساد گردید و به برکت احیاء دین آن حضرت سریر آرای تخت سلطنت افغانستان گردید و بر تخت سلطنت امارت استقلال یافت که ما اهالی اسلامی از ایقاع این فتنه های بالغه متعددی از تهلکه ابدیه نجات یافتیم. الله الحمد که ما کافه مسلمین از غرور این دنیای غدار به

قرار تبلیغ احکام خداوند قهار آگاه می باشیم. هزارها زنده‌گی این جهان را به یک دره‌ی ایمان عزیز خود ما و ارجاً بقا ذات مقدس حضرت سبحان و دخول جنات رضوان برابر نه می کنیم و نه فریفته‌ی این متاع دنیا می باشیم، بلکه مال و سر و جان و اولاد و اطفال خود را فدای دین مقدس نموده از بدعیات منهیات و اختراعات که خلاف امر خداوندی و سنت مصطفوی است از خداوند استدعا می خواهیم. لهذا امان الله امیر سابقه خودها را رد نموده او را از امارت سلطنت خودها زمره اسلامیة جمع اهالی افغانستان موقوف کردیم و بیعت تازه صحیحه جدیده به قرار امر خداوند و هدایت حضرت رسول اکرم و صحابه‌ی معظم به امیر حبیب الله که شخص صادق خدمتگار ملت و پیرو دین پاک محمدی و طریقه‌ی مجددی و علمای جید حقانی و به اوصاف حمیده و شجاع و غیور و رعیت نواز بود به او نمودیم، او را به رضا و رغبت به امارت سلطنت تخت کابل امارت افغانستان قبول داریم که کافه‌ی امورات امارت را تنفیذ اقامت حدودات را مطابق احکام الهی و سیاسات آن را بر وفق سیاسات شرعی بدارد و ما جمیع اهالی اسلامی از خداوند باری درخواست توفیق به امورات امارت و رعیت پروری و انصاف عدالت او را مسلنت داریم که الهی آفتاب عمر و اقبال و استقلال سلطنت در اوج و دریای حشمت و اجلالش موج در موج باد به نون و الصاد مبارک باد سلطنت افغانستان بر خادم دین رسول الله امیر حبیب الله فقط. باقی مباد هر که نه خواهد بقای شاه....»

{منبع: «سیه کاران تاریخ»، مراد نایب آبادی، جلد اول، نشرات بواطن الامور، صفحه های ۱۷ تا ۲۱.}

در کشور بد بخت و آفت زده ما که در یک قرن جنگ «علم و جهل» ادامه دارد، و هنوز هم پله جهل سنگین تر و گرانتر است بغیر از غلامان ذلیل اجنبی هفت تنظیم وابسته به استخبارات عرب و سیا و پاکستان، مارکسیست های سرخ انقلابی دیروز که به سکتاریست و منطقه پرستان امروز بدل شده اند از حرکت شوم و سیاه حبیب الله با بی شرمی دفاع و دروغها و افسانه های جعلی برای وی می سازند. (افسانه نوشتار از احمد شاملو شاعر انقلابی ایران در باره حبیب الله کلکانی)

آغا جان معتصم وزیر مالیه دوران امارت طالبان و رئیس پیشین کمیته سیاسی تحریک طالبان می گوید که:

➤ طالبان به انتخابات باور ندارند و انتخابات را مشروع نمی دانند. زیرا در اسلام رای عالم با رای فاسق و رای چرسی و پودری مساوی نیست. امیر در اسلام توسط شورای حل و عقد تعیین می شود، نه در انتخابات عام.

➤ آغا جان معتصم راست می گوید که طالبان انتخابات را غیر مشروع می دانند و به آن باور ندارند. هیچ یکی از طالبان در مذاکرات جاری صلح با امریکایی ها و گفتگو های میان افغانی از انتخابات سخن نگفته اند و هرگز اظهار نکرده اند که انتخابات را به عنوان میکانیزم گزینش قدرت می پذیرند.

همچنان آنها هرگز اظهار نظر نکردند که با معارف با حقوق انسانی زنان و مردان با آزادی مطبوعات با تغییرات سریع علوم و تکنالوژی معاصر چه عکس العمل دارند.

➤ اگر باز هم گویا البسه اسلامی ما را ملا با دستار و ریش تعیین کند.

➤ اگر باز هم مرد اجنبی از زن اجنبیه و زن اجنبیه از مرد بیگانه چشم خود ها را نگاه بدارند (یعنی چادری و دلاق حکم شود).

➤ اگر باز هم خروج زن کبیره و بالغه را بدون اجازه‌ی زوجش و ضرورت شرعی شارع جواز نه داده.

➤ اگر باز هم نکاح صغیره را سنت بدانند.

➤ اگر باز هم شرعاً حکم دختر بالغه را دارند به مکتب که مفاد دینی و علم شرایع و احکام قرآنی بر آن مرتب نه بوده، بلکه در اعتقادات شان خلل های زیاد واصل و خود بچه ها همهگی بی باک شده اند. طلب علم که بر هر مسلم و مسلمه فرض کفایت است مقصد از علم احکام قرآنی است نه علمی که خط و حساب انگریزی و یا نام بلاد و سلاطین ماضی دانسته کفر را یاد بگیرند.

➤ اگر باز هم دختران بالغه اسلامی را از دارالسلام کشیده و بدون محارم در بلاد کفر؟؟؟ روانه کرده که تا خط و مناعت انگریزی را یاد بگیرند.

➤ اگر چنان حکم شود فاتحه این ملت بد بخت را برای همیشه خواند.

پایان